

درس اول : کنش های ما

کنش چیست؟ به فعالیتی که انسان انجام می دهد کنش و به انجام دهنده آن کنشگر میگویند.

مورد	تعریف	مثال ^۱
آگاهانه	یعنی کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی شود	سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آنها از دست بدهیم، از گفتار باز می مانیم. از این رو فردی که از واژگان و دستور یک زبان آگاهی ندارد، نمی تواند با آن زبان سخن بگوید.
ارادی	یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، کنش انجام نمی شود.	قرار گرفتن بر سر دوراهی و انتخاب یکی از آن دو
هدف دار	یعنی انسان فعالیت های خود را با قصد و هدف خاصی انجام می دهد، اگرچه ممکن است همیشه به آن هدف نرسد.	فردی از میان جمع برمی خیزد و پنجره اتاق را باز می کند.
معنادار	یعنی انسان ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می دهند	وقتی دانش آموزی در کلاس دستش را بالا می آورد این کار را آگاهانه ، ارادی و هدف دار انجام می دهد و معنای آن اجازه خواستن از معلم است. معلم نیز در صورتی می تواند به او پاسخ مناسب بدهد که معنای کنش او را بیابد.

ویژگی های کنش

	تعریف	
پیامد های کنش	پیامد های ارادی پیامد هایی هستند که به اراده انسان یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر وابسته اند این دسته پیامد ها خودشان کنش هستند و لازم است که کنشگری آن هارا انجام دهد	
ارادی	<p>۱- دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می کند و در پی آن، اولاً به سؤالات امتحانی پاسخ می دهد؛ ثانیاً استاد، متناسب با تلاش این دانشجو به او نمره می دهد.</p> <p>پاسخ دادن به سؤالات امتحانی و نمره دادن استاد، پیامدهای ارادی کنش مطالعه کردن است.</p> <p>۲- فردی سلام می کند.</p> <p>پاسخ دادن یا پاسخ ندادن او پیامد ارادی کنش او محسوب می شود که به اراده جواب دهنده سلام وابسته است.</p>	
غیرارادی	<p>پیامد های غیر ارادی پیامد هایی هستند که به اراده انسان بستگی ندارند این پیامد ها کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آنها را انجام دهد بلکه نتیجه طبیعی خود کنش اند.</p>	
مثال	وقتی شما پنجره ها را باز می کنید، هوای کلاس عوض می شود. فردی که وضو می گیرد، دست و صورتش پاکیزه می شود.	

نکته ۱: کنش ها ممکن است با اشتیاق یا با اکراه یا حتی از روی اضطرار و بنا به ضرورتی انجام شوند اما بازهم ارادی اند.

نکته ۲: پیامد های غیرارادی کنش قطعی هستند.

نکته ۳: پیامد های ارادی کنش احتمالی اند.

نکته ۴: معمولاً انسان ها کنش های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیر ارادی آنها انجام می دهند

^۱ هر مثال برای چه موردی از کنش است را در ذهن بسپارید

سوالات درس ۱ علوم اجتماعی که در امتحان نهایی آمده اند

۱ منظور از معنادار بودن کنش چیست؟ با مثال توضیح دهید؟

انسان ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می دهند؛ مثلا وقتی دانش آموزی در کلاس، دستش را بالا می آورد، این کار را آگاهانه، ارادی و هدف دار انجام می دهد و معنای آن اجازه خواستن از معلم است. معلم نیز در صورتی می تواند به او پاسخ مناسب بدهد که معنای کنش او را بیابد. ص ۴

۲ تفاوت پیامد های ارادی و غیر ارادی کنش را بنویسید؟

پیامدهای ارادی: پیامدهایی که به اراده انسان یعنی خودکنشگری یا افراد دیگر وابسته اند این دسته پیامدها خودشان کنش

هستند و باید کنشگری آنها را انجام دهد. (۱)

پیامدهای غیر ارادی: به اراده انسان بستگی ندارد این دسته کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آنها را انجام دهد بلکه

نتیجه طبیعی کنش هستند. (۱)

تذکر: اغلب سوالات این فصل به صورت جا خالی و صحیح و غلط و پاسخ کوتاه مطرح شده اند. این ها را در فایل آخر برای شما قرار می دهیم.

درس دوم: پدیده های اجتماعی

انواع کنش	اجتماعی	تعریف	نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می شود. در کنش اجتماعی، اراده و آگاهی کنشگر ناظر به دیگران، ویژگی ها و اعمال آنهاست.
		مثال	ما به دوست خود سلام می کنیم یا پاسخ سلام او را می دهیم. با ورود معلم به کلاس از جا بر می خیزیم. هنگام سوار شدن به اتوبوس، حق تقدّم را رعایت می کنیم و به همدیگر تعارف می کنیم. هنگام گفت و گو، به حرکات و سخنان طرف مقابل توجه می کنیم.
فردی	تعریف	نوعی کنش است که با توجه به دیگران (با حضور یا بدون حضور دیگران) انجام می شود.	
	مثال	فردی که در کلاس درس حضور دارد ولی بی توجه به اطرافیان در ذهن خود رودخانه ای خروشان را تخیل می کند	

نکته ۱: کنش اجتماعی فقط در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی گیرد.

به عنوان مثال، وقتی راننده ای پشت چراغ قرمز می ایستد، مقرراتی را رعایت می کند که مورد قبول دیگران است. به همین سبب، کنش او اجتماعی است.

رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین های مخفی نیز یک کنش اجتماعی است.
پدیده اجتماعی: به کنش اجتماعی و پیامد های آن پدیده اجتماعی می گویند.

نکته ۲: کنش اجتماعی خردترین (کوچک ترین) پدیده اجتماعی است و سایر پدیده های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن هستند.

هنجار اجتماعی: شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است؛

مثلاً در هر جامعه ای احوالپرسی از دیگران شیوه های معینی دارد.

ارزش اجتماعی: آن دسته از پدیده های مطلوب و خواستنی هستند که مورد توجه و پذیرش اند و افراد یک جامعه، به آنها گرایش و تمایل دارند

نکته ۳: اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی گیرد و هیچ یک از ارزش های اجتماعی، مانند عدالت، امنیت، سعادت و آزادی، محقق نمی شوند.

نکته ۴: ارزش ها از جنس هدف و مقصود هستند و هنجارها از جنس وسیله و راه رسیدن به ارزش ها هستند.

نکته ۵: ارزش ها و هنجارهای اجتماعی از طریق **کنش های اجتماعی** تحقق می یابند و پدیده های اجتماعی «کنترل اجتماعی» و «جامعه پذیری» را ضروری می سازند تا ارزش ها و هنجارها را از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه به افراد منتقل کنند.

افراد نیز با عمل کردن بر اساس ارزش ها و هنجارها، موجب تداوم و استمرار آنها می شوند.

تمامی پدیده های اجتماعی خرد (کوچک) و کلان (بزرگ) به همین طریق شکل می گیرند.

چرا پدیده های اجتماعی معنا دارند؟ پدیده های اجتماعی را انسان ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می آورند و چون افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می کنند، پدیده های اجتماعی معنا دارند.

چرا بعضی مواقع حس می شود که پدیده های اجتماعی همان پدیده های طبیعی هستند؟ چون پدیده های اجتماعی به مرور از انسان هایی که آنها را به وجود آورده اند، مستقل شده و فرصت ها و محدودیت هایی را برای کنش ها و زندگی انسان ها ایجاد می کند.

نکته ۶: پدیده های اجتماعی را انسان ها خلق می کنند و نتیجه کنش های افراد هستند. ولی پدیده های طبیعی را انسان ها خلق نکرده اند.

سوالات درس ۲ علوم اجتماعی که در امتحان نهایی آمده اند

آیا کنش اجتماعی فقط در حضور فیزیکی دیگران صورت می گیرد؟ با مثال توضیح دهید.

کنش اجتماعی فقط در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی گیرد. (۵/۰) وقتی راننده ای پشت چراغ قرمز می ایستد، مقرراتی را رعایت می کند که مورد قبول دیگران است، به همین سبب کنش او اجتماعی است. (۵/۰)

چرا بعضی مواقع افراد حس میکنند که پدیده های اجتماعی همانند پدیده های طبیعی هستند؟

پدیده های اجتماعی به مرور از انسان هایی که آنها را به وجود آورده اند، مستقل می شوند و فرصت ها و محدودیت هایی را برای کنش ها و زندگی انسان ها ایجاد می کنند. این روند تا جایی ادامه پیدا می کند که افراد احساس می کنند پدیده های اجتماعی همانند پدیده های طبیعی هستند. ص ۱۲

چرا پدیده های اجتماعی معنا دارند؟

پدیده های اجتماعی را انسان ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می آورند و چون افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می کنند، پدیده های اجتماعی معنا دارند. (ص ۱۲)

تذکر: اغلب سوالات این فصل به صورت جا خالی و صحیح و غلط و پاسخ کوتاه مطرح شده اند. این ها را در فایل آخر برای شما قرار می دهیم.

درس سوم : جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی)

جامعه چیست؟ به گروهی از انسان ها گفته می شود که برای سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می کنند.

فرهنگ چیست؟ شیوه زندگی گروهی از انسان هاست که با یکدیگر زندگی می کنند.

مانند خوراکی ها، پوشش ها، گویش ها و آداب و رسوم عروسی و عزاداری، آداب معاشرت، شیوه های گذراندن اوقات فراغت، شیوه های یاددهی و یادگیری، ارزش ها و باورهای اخلاقی، نگرش به عالم و آدم و

توضیحات	مثال	انواع	لایه ها و سطوح فرهنگ
امکان تغییر بیشتری دارند	نمادها و هنجارها	سطحی و بیرونی	
کمتر در معرض تغییر قرار می گیرند تأثیرات همه جانبه و فراگیر دارند در مقایسه با هنجارها و نمادها اهمیت بیشتری دارند	ارزش ها و عقاید	عمیق و درونی	

نکته ۱: به دلیل اهمیت بیشتر لایه های عمیق نسبت به لایه های سطحی، تغییرات اساسی در لایه های عمیق فرهنگ آن را به فرهنگ دیگری تبدیل می کند.

نکته ۲: جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد. فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی آید.

جامعه و فرهنگ را می توان به جسم و جان انسان تشبیه کرد. جامعه مانند جسم و کالبد، و فرهنگ همانند جان و روح است.

دلیل تفاوت شیوه های مختلف برای زندگی چیست؟ دلیل تفاوت آنها این است که فرهنگ آموختنی است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. به همین دلیل فرهنگ را آگاهی و شناخت مشترک نیز می نامند.

فرهنگ عمومی: آن بخش از فرهنگ که همه مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند

خرده فرهنگ: بخش هایی که مربوط به یک قوم، قشر، صنف یا گروه است

نکته ۳: خرده فرهنگ هایی که درون یک فرهنگ عمومی قرار دارند، اغلب با فرهنگ عمومی سازگارند.

ضد فرهنگ: در مواردی ممکن است عقاید، ارزش ها، هنجارها و مهارت های درون یک خرده فرهنگ، ناسازگار و مخالف با فرهنگ عمومی باشد. این خرده فرهنگ را ضد فرهنگ می نامند. مانند گروه هایی که انحراف اجتماعی دارند، مانند بزهکاران، سارقان و...
خرده فرهنگ موافق: خرده فرهنگ های سازگار با فرهنگ عمومی را خرده فرهنگ موافق می گویند. مثل خرده فرهنگ های مربوط به اصناف مختلف درون یک جامعه.

نکته ۴: یکی از جامعه شناسان معتقد است که سهم مردگان در ساختن جامعه بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جامعه، بیشتر از ما بوده است. همچنان که سهم ما در ساختن جامعه و فرهنگ آیندگان، بیش از آیندگان است.

نکته ۵: تا زمانی که هر جامعه و فرهنگی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، الزامات آن نیز باقی است. اگر جامعه و فرهنگ موجود تغییر کند و در پی آن الزام ها و پیامدهایش برداشته شود، جامعه و فرهنگ جدیدی شکل می گیرد که الزام ها و پیامدهای دیگری به دنبال می آورد.

نکته ۶: الزام ها و پیامدهای هر جامعه و فرهنگی به صورت **فرصت ها و محدودیت ها** ظاهر می شوند. این فرصت ها و محدودیت ها، **کنش های ما** را امکان پذیر می سازند و از این طریق زندگی ما را متأثر می سازند.

نکته ۷: فرصت ها و محدودیت ها به یکدیگر وابسته اند و هیچ کدام بدون دیگری محقق نمی شوند. به عبارت دقیق تر، فرصت ها و محدودیت ها دو روی یک سکه اند.

مثال هایی از محدودیت ها و واکنش ها:

۱ قوانین راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان ها وضع می کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت هایی پدید می آورد ولی با وجود این محدودیت ها، عمل کردن به آنها فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

۲ به زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می کنند توجه کنید. زبان، دستور و قواعد پیچیده ای دارد. مردمی که با آن سخن می گویند، باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آنها نمی توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف ها، کلمات و جملات را به کار ببرند. با این حال همین محدودیت ها، فرصت ارتباط با هم زبانان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می آورد.

نکته ۸: جوامع را می توان براساس آرمان ها و ارزش های آن و نیز فرصت ها و محدودیت هایی که به دنبال می آورند، ارزیابی کرد.

سوالات درس ۳ علوم اجتماعی که در امتحان نهایی آمده اند

۱- تفاوت فرهنگ عمومی و خرده فرهنگ را بنویسید. (خرداد ۹۸)

آن بخش از فرهنگ که همه مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند فرهنگ عمومی ۰/۵ و بخشهایی که مربوط به یک قوم، قشر، صنف یا گروه است خرده فرهنگ نامیده می شود ۰/۵.نمره

۲- درمقایسه بین لایه های فرهنگ، کدام لایه ها از اهمیت بیشتری برخوردار است چرا؟ (خرداد ۹۹)

لایه های عمیق (عقاید و ارزش ها) اهمیت بیشتری دارند. ۰/۵ نمره
زیرا لایه های عمیق کمتر در معرض تغییر قرار می گیرند و تأثیرات همه جانبه و فراگیر دارند. ۰/۵ نمره

۳- فرصت ها و محدودیت های زبانی ای که مردم جامعه با آن صحبت می کنند چیست؟ (دی ۹۹)

مردمی که با آن سخن می گویند، باید در چارچوب آن حرف بزنند آنها نمی توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف ها، کلمات و جملات را به کار ببرند (محدودیت)
با این حال فرصت ارتباط با هم زبانان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می آورد (فرصت) ص ۲۰

۴- مفهوم خرده فرهنگ موافق و ضد فرهنگ را بنویسید. (شهریور ۹۸)

خرده فرهنگ موافق: به خرده فرهنگ های موافق با فرهنگ عمومی میگویند. (۰/۵)

ضد فرهنگ: به خرده فرهنگ های ناسازگار و مخالف با فرهنگ عمومی میگویند. (۰/۵)

۵- لایه های سطحی و عمیق فرهنگ را مقایسه کنید؟ (شهریور ۹۹)

لایه های سطحی (هنجارها و نمادها) امکان تغییر بیشتری دارند.
لایه های عمیق (عقاید و ارزش ها) کمتر در معرض تغییر قرار می گیرند و تأثیرات همه جانبه و فراگیر دارند و در مقایسه با هنجارها و نمادها اهمیت بیشتری دارند. به همین دلیل، تغییرات اساسی در لایه های عمیق فرهنگ آن را به فرهنگ دیگری تبدیل می کند. (برای هر قسمت ذکر دو ویژگی کافی است) (ص ۱۶)

درس چهارم: ارزیابی فرهنگ ها

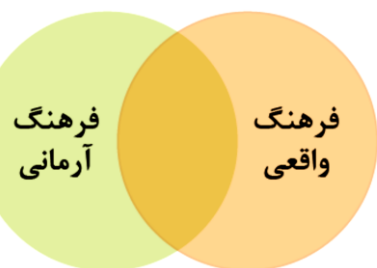
فرهنگ آرمانی: ارزش هایی که مردم یک جامعه از آن جانب داری می کنند و رعایت آن را لازم می دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند.

فرهنگ واقعی: آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می کنند

نکته ۱: مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر اساس عمل مردم تغییر می کند.

هر اندازه مردم مطابق آرمان ها و ارزش ها عمل کنند، به همان اندازه، آرمان ها وارد فرهنگ واقعی می شوند

اما اگر مردم به آرمان ها و ارزش هایی که رعایت آنها در فرهنگ آرمانی لازم دانسته می شود عمل نکنند، فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می گیرد.



نکته ۲: برنامه ریزان فرهنگی از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق فرهنگ آرمانی و ورود آن به قلمرو فرهنگ واقعی را فراهم می کنند.

نکته ۳: بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد و بخش هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد، است

عقیده به توحید، وفای به عهد، عدالت، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از حقوق انسان ها و مهربانی با یکدیگر از جمله عقاید و ارزش های حق اند.

شرک، ظلم، بی عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و دنیاپرستی از جمله عقاید و ارزش های باطل اند.

نکته ۴: حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ، با علم متناسب با همان بخش شناخته می شود.

کاربرد علوم در شناخت حق و باطل	انواع	توضیحات
	علوم تجربی	توان دآوری درباره فنون و روش های اجرایی را دارند مثلاً درست یا نادرست بودن شیوه مداوای بیماران حق یا باطل بودن عقاید و ارزش ها را نمی توان با روش ها و علوم تجربی شناخت.
	عقل و وحی	دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش ها هستند و علمی که از این دو ابزار بهره می گیرند، می توانند درباره حق یا باطل بودن فرهنگ های مختلف دآوری کنند

نکته ۵: فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی هر جامعه ای تغییر می کند

مثلاً استقلال سیاسی در ایران پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد

نکته ۶: فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی از یک جامعه به جامعه ای دیگر متفاوت است.

نکته ۷: حق یا باطل بودن عقاید، بر اساس آگاهی یا جهل، و توجه یا بی توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی شود.

به عنوان مثال نژاد پرستی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، پول پرستی و شرک از عقاید و ارزش های باطل اند و باطل بودن آنها با نوع مواجهه جوامع مختلف، دگرگون نمی شود.

همچنین توحید، آزادی انسان ها از همه بندها و موانعی که بر سر راه سعادت آنها وجود دارد، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همه انسان ها، از عقاید و ارزش های حق اند و درستی آنها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی کند.

نکته ۸: حقایق ثابت اند ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند؛

یعنی برای جوامع امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد. همان گونه که امکان خروج از باطل و روی آوردن به حق نیز وجود دارد. جوامع می توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند اما حق و باطل بر مدار گزینش آنها تغییر نمی کنند.

سوالات درس ۴ علوم اجتماعی که در امتحان نهایی آمده اند

۱- (خرداد ۹۹)

هر یک از مفاهیم ستون اول به کدام یک از تعاریف ستون دوم اشاره دارد؟ (۱ مورد اضافی است)

تعاریف	مفاهیم
۱- بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق با فطرت انسان باشد	الف: فرهنگ عمومی
۲- خرده فرهنگ مخالف با فرهنگ عمومی	ب: فرهنگ واقعی
۳- آن بخش از فرهنگ همه مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند	ج: فرهنگ حق
۴- آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می کنند	د: ضد فرهنگ
۵- آن بخش از فرهنگ که مردم یک جامعه از آن جانبداری می کنند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند	

الف: فرهنگ ب: فرهنگ ج: جامعه د: فرهنگ

۲- جوامع مختلف چگونه حقیقت را به فرهنگ آرمانی و واقعی خودشان وارد می کنند؟ (دی ۹۹)

جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می کنند و با عمل کردن براساس این عقاید و ارزش ها، آنها را به فرهنگ واقعی شان وارد می نمایند. ص ۳۰

۳- تفاوت فرهنگ حق و فرهنگ باطل را بنویسید. (شهریور ۹۹)

بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، فرهنگ حق و بخش هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد، فرهنگ باطل است. (ص ۲۶)

۴- فرهنگ باطل را تعریف کنید و دو نمونه مثال بزنید. (شهریور ۹۸)

بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی قابل دفاع نباشد (۰/۵) و براساس خرافات شکل گرفته باشد (۰/۵).

شرک، ظلم، بی عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و.... (دو مورد) (۰/۵).

بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی قابل دفاع نباشد (۰/۵) و براساس خرافات شکل گرفته باشد (۰/۵).

شرک، ظلم، بی عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و.... (دو مورد) (۰/۵).

درس پنجم: هویت

هویت: آنچه در پاسخ به پرسش کیستی گفته می شود و با آن هر شخص از افراد دیگر متمایز فرد را تشکیل می دهد.

آیا هویتمان را خودمان می سازیم؟

هویت انتسابی: ما در شکل گیری بعضی ویژگی های هویتی مانند مکان یا زمان تولد یا دختر و پسر بودن نقشی نداریم

هویت اکتسابی: بسیاری از ویژگی های هویتی مانند صفات اخلاقی و روانی را خودمان شکل می دهیم یا در شکل گیری آنها نقش و سهم زیادی داریم.

بعضی ویژگی ها هستند که در دست آوردنشان نقشی نداریم اما با تلاش می توانیم آنها را تغییر دهیم؛ مانند موقعیت اجتماعی که در زمان تولد از طریق خانواده به ما داده می شود و ما در طول زندگی، می توانیم آن را تغییر دهیم.

آیا هویتمان تغییر می کند؟

برخی از ویژگی های هویتی تغییر می کنند؛ مانند جایگاه فرد در جامعه که تابع دانایی، توانایی و دارایی اوست، برخی ویژگی ها تغییر نمی کنند؛ مانند زمان و مکان تولد.

آیا هویت ما صرفاً اجتماعی است؟ فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه های اجتماعی نمی تواند برخی ویژگی ها را داشته باشد؛ مثلاً ما فقط با عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می شویم؛ درحالی که زرنگی یا تنبلی و صبوری یا زودرنجی ویژگی های فردی ما هستند.

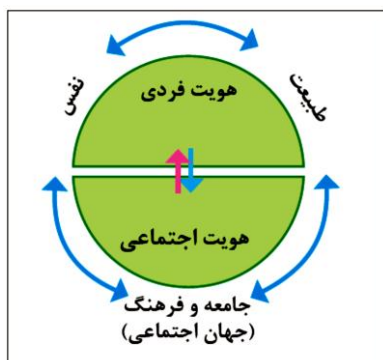
ابعاد هویت: هویت دارای دو بعد فردی و اجتماعی است.

هویت فردی نیز شامل دو بعد جسمانی و نفسانی است، بنابراین، هویت انسان سه بعد دارد:

بعد جسمانی (بدن)

بعد نفسانی (نفس و ویژگی های اخلاقی و روانی)

بعد اجتماعی (نقش ها و عضویت فرد در جامعه).



نکته ۱: سه بعد هویت ما از یکدیگر جدا نیستند بلکه با هم تعامل یا ارتباط متقابل و دو سویه دارند و بر یکدیگر اثر می گذارند؛

برخی از مثال های مهم نکته بالا:

- ترشح بیش از اندازه غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان ها می شود. (تأثیر بعد جسمانی بر نفسانی)
- برخی بیماری های جسمانی به کمک قوای روانی درمان می شوند. (تأثیر بعد نفسانی بر جسمانی)
- یک انسان با تقوا، جهانی را تغییر می دهد. (تأثیر بعد نفسانی بر اجتماعی)
- جوان مؤمن امیدوار پر تلاش پیرانگیزه دانش دوست، موفق خواهد شد. (تأثیر بعد اجتماعی بر اجتماعی)
- شرافت و وقار و سلحشوری از ویژگی های صحرائشینان است. (تأثیر بعد اجتماعی بر نفسانی)
- جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی اخلاقیات می شود. (تأثیر بعد اجتماعی بر نفسانی)

نکته ۲: هویت هر جامعه ای، براساس عقاید، آرمان ها و ارزش های آن جامعه شکل می گیرد

بنابراین، هویت اجتماعی هر فرد، درون یک جامعه و بر اساس عقاید و ارزش های آن شکل می گیرد. به عنوان مثال:

- در جامعه قبیله ای، هویت اجتماعی افراد اغلب براساس جایگاه آنها در قبیله مشخص می شود.
- در جامعه سرمایه داری، هویت اجتماعی افراد بیشتر به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است.
- در جامعه دینی، هویت اجتماعی افراد بر اساس عقاید و ارزش هایی تعیین می شود که آن دین محترم می شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوا، عدالت و علم ارزیابی می کند.

نکته ۳: هر جامعه ای با توجه به عقاید و ارزش هایش با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می آورد و امکان پیدایش و رشد دیگر انواع را تضعیف می کند.

برای مثال، فرهنگ متجدد با بعضی ویژگی های اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان ها و ارزش های دنیوی آن شکل می گیرند، مانند فردگرایی، فرصت طلبی، انضباط، تجمل گرایی، رفاه طلبی و مال اندوزی با بسیاری از ویژگی های اخلاقی که براساس ارزش های معنوی و الهی انسان شکل گرفته باشند، مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و شکر و رضای الهی و توکل سازگار نیست.

نکته ۴: هر جامعه ای براساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می کند. به عنوان مثال:

نگاه دنیوی فرهنگ جدید غرب و ارزش های آن به گونه ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت و بدن مجاز می داند. انسان در این فرهنگ هر نوع تصرفی را برای بهره برداری بیشتر از طبیعت انجام می دهد.

در فرهنگ اسلام انسان به عنوان خلیفه خداوند وظیفه عمران و آبادانی طبیعت را به عهده دارد؛ یعنی انسان حق ندارد برخلاف اراده حکیمانۀ الهی در جهان طبیعت و بدن خود تصرفاتی انجام دهد.

چگونه می توان هویت را شناخت؟

بخشی از هویت، آگاهانه است؛ یعنی خود ما آن را می شناسیم یا دیگران به آن پی می برند و آن را برایمان بازگو می کنند بخش دیگر برای ما پنهان است و آن را نمی شناسیم. گاهی درباره ویژگی های خود که به آنها واقف نیستیم، تأمل می کنیم و می اندیشیم. گاهی برای شناخت بیشتر و بهتر خود از دیگران کمک می گیریم؛ مثلاً از والدین و دوستان درباره ضعف ها و قوت هایمان سؤال می کنیم. نزد مشاور، روان شناس و روان کاو می رویم و از آنها مشاوره می گیریم.

جامعه شناسان و انسان شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان بحث می کنند و نظراتی ارائه می دهند.

فیلسوفان هم بحث های گسترده ای درباره هویت دارند که می تواند به شناخت ما از خودمان کمک کند.

پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز درباره بُعد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان ها و همچنین غفلت و فراموشی آنها از خویشتن سخن گفته اند.

وجود نظرات متفاوت درباره هویت، نشانه چیست؟ که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

سوالات درس ۵ علوم اجتماعی که در امتحان نهایی آمده اند

۱- مثال زیر نشانگر کدام رابطه هویتی است؟ "یک انسان با تقوا جهانی را تغییر می دهد" (خرداد ۹۹)

تاثیر بعد نفسانی بر بعد اجتماعی (نام بردن ابعاد هویتی ۵/۰ نمره و تشخیص صحیح رابطه ۵/۰ نمره)

۲- هویت اجتماعی افراد در جامعه سرمایه داری و دینی بر چه اساسی تعیین می شود؟ (شهریور ۹۸)

هویت اجتماعی افراد در جامعه سرمایه داری بیشتر به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. (۷۵/۰)

هویت اجتماعی افراد در جامعه دینی براساس عقاید و ارزش هایی تعیین می شود که آن دین محترم می شمارد. (۷۵/۰)

۳- ویژگی های هویتی اکتسابی و انتسابی را با مثال مقایسه کنید. (شهریور ۹۹)

انتسابی: ما در شکل گیری بعضی ویژگی های هویتی نقشی نداریم مانند مکان یا زمان تولد یا دختر و پسر بودن.

اکتسابی: بسیاری از ویژگی های هویتی را خودمان شکل می دهیم یا در شکل گیری آنها نقش و سهم زیادی داریم

مانند صفات اخلاقی و روانی (هر مثال صحیح دیگر، نمره دارد) (ص ۳۳)

درس ششم: باز تولید هویت اجتماعی

هویت اجتماعی چگونه شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد؟

انسان برخلاف موجودات دیگر، به صورت غریزی نمی‌داند چه موقعیتی در جامعه دارد و در این موقعیت چه وظایفی برعهده اوست. انسان باید موقعیت خود را بشناسد، حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد و با عمل به آنها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد.

هویت اجتماعی چگونه تداوم می‌یابد؟

هر فرد در جامعه ای متولد می‌شود که نسل های قبل از او آن را ساخته اند. این جامعه پس از تولد فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به صدور شناسنامه برای نوزادان اشاره کرد.

نکته ۱: هر جامعه ای برای بقا و تداوم، عقاید، ارزش ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد.

فرد نیز برای مشارکت در جامعه، این عقاید و ارزش ها و هنجارها را می‌آموزد، شیوه زندگی در جامعه را فرا می‌گیرد و به تدریج، با موقعیتش در جامعه و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد، آشنا می‌شود.

نکته ۲: فرد اولین و مهم ترین آشنایی را با جامعه ای که در آن متولد شده با آموزش های اساسی که در خانواده می‌بیند، پیدا می‌کند. مدرسه، مسجد، مجالس علمی و مذهبی، گروه های هم سالان و رسانه های جمعی از دیگر عوامل آشنایی افراد با جامعه ای هستند که در آن زندگی می‌کنند.

جامعه پذیری: به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل دادن به هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، جامعه پذیری می‌گویند.

نکته ۳: فرایند جامعه پذیری همواره با موفقیت همراه نیست و ممکن است برخی افراد به طور کامل جامعه پذیر نشوند.

کجروی اجتماعی: به کنش هایی که برخلاف عقاید، ارزش ها و هنجارهای جامعه هستند کجروی اجتماعی می‌گویند

راه های پیشگیری های کجروی اجتماعی

تنبیه و مجازات و تشویق و پاداش و تبلیغ و اقناع

یعنی هر جامعه ای می‌کوشد تا از طریق آموزش، افراد را قانع کند که عقاید و ارزش های جامعه را بپذیرند، به افرادی که مطابق ارزش ها و هنجارهای جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد و کسانی را که دچار کجروی اجتماعی شده باشند، مجازات می‌کند.

کنترل اجتماعی: به مجموعه فعالیت هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد کنترل اجتماعی می‌گویند.

نکته ۴: جامعه ای که روش های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب های بیشتری قرار می‌گیرد و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.

نکته ۵: امر به معروف و نهی از منکر از جمله راهکارهای اسلام برای جامعه پذیری و کنترل اجتماعی است.

هویت اجتماعی چگونه تغییر می‌کند؟

کسب هویت های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت اجتماعی افراد همراه است؛

افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی (خودشان در آن نقشی ندارند) در محیط خانواده می‌پذیرند و به تدریج با فعالیت‌هایشان هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند و متناسب با هویت اجتماعی جدیدشان از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند.

تحرک اجتماعی: به جابه جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر می‌گویند.

انواع تحرک اجتماعی: صعودی، نزولی و افقی.

- ✓ کارمند یک اداره وقتی مدیر بخشی از آن اداره می شود یا مدیر یک بخش هنگامی که مدیر کل می شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است.
- ✓ مدیر اداره وقتی از مدیریت عزل می شود و به صورت یک کارمند عادی به کار خود ادامه می دهد، تحرک اجتماعی نزولی پیدا کرده است.
- ✓ اگر شخصی شغل خود را تغییر دهد اما شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد؛ مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می شود.

نکته ۶: موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنها نیست بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، مهارت و احترام نیز بستگی دارد.

نکته ۷: تحرک اجتماعی گاه درون یک نسل؛ یعنی برای یک فرد در طول زندگی خودش و گاه در دو نسل؛ یعنی برای یک فرد نسبت به والدینش اتفاق می افتد.

نکته ۸: فرصت های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت های جدید در جوامع مختلف، یکسان نیست. هر جامعه ای به تناسب عقاید و ارزش های خود، برخی تحرک های اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می کند؛ برخی هویت ها را می پذیرد و برخی دیگر را نمی پذیرد.
مثلاً:

- * جامعه ای که براساس ارزش های نژادی شکل می گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می آورد.
- * جامعه ای که به ارزشهای اقتصادی اهمیت و اولویت می دهد، تحرک اجتماعی صعودی را فقط برای ثروتمندان، ممکن می سازد.
- * یک جامعه غیردینی، به هویت دینی و معنوی افراد اجازه بروز و ظهور اجتماعی نمی دهد. برای نمونه، می توان به جلوگیری از تحصیل دختران باحجاب در برخی جوامع غربی اشاره کرد.
- * در یک جامعه دینی و معنوی نیز هویت هایی که ابعاد متعالی و الهی وجود انسان را نادیده بگیرند، به رسمیت شناخته نمی شوند.

سوالات درس ۶ علوم اجتماعی که در امتحان نهایی آمده اند

۱- کجروی اجتماعی را تعریف کرده، یک مورد از روشهای پیشگیری از آن را بنویسید. (خرداد ۹۸) (شهریور ۹۸) (دی ۹۷)
به کنش های که برخلاف عقاید، ارزش ها و هنجارهای جامعه هستند کجروی اجتماعی گویند (۵/۰) نمره

(تبلیغ و اقناع - تشویق و پاداش - تنبیه و مجازات) اشاره به یک مورد ۵/۰

۲- آیا فرصت های افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت جدید برای افراد جامعه یکسان است؟
(خرداد ۹۹) (دی ۹۸) (دی ۹۹) (شهریور ۹۹)

خیر، هر جامعه ای به تناسب عقاید و ارزش های خود برخی تحرک های اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می کند؛ برخی هویت ها را می پذیرد و برخی دیگر را نمی پذیرد.

با وجود اینکه از این فصل هر سال علاوه بر سوال های جا خالی و ... یک سوال تشریحی آمده ولی با

دقت می توان فهمید این سوال ها تکراری بوده است

درس هفتم : باز تولید هویت اجتماعی

نکته ۱: هویت اجتماعی افراد محصول عضویت گروهی آنهاست؛

برای مثال شهری، روستایی و عشایری بودن ما، نتیجه عضویت ما در یک شهر، روستا یا ایل است.

هویت فرهنگی جامعه

هر جامعه ای هویت خاصی دارد که از آن با عنوان هویت فرهنگی آن جامعه یاد می شود.

هویت فرهنگی هر جامعه بر اساس عقاید و ارزش های اجتماعی آن شکل می گیرد؛

یعنی، هرگاه اعضای یک جامعه، عقاید و ارزش هایی را بپذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی آن جامعه پدید می آید.

هویت فرهنگی جامعه، گسترده تر از هویت اجتماعی افراد است.

هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جامعه و متناسب با آن شکل می گیرد.

هویت فرهنگی جامعه، فرصت شکل گیری هویت های اجتماعی متناسب با خود را پدید می آورد و در برابر انواع هویت های اجتماعی

که با عقاید و ارزش های آن ناسازگار باشند، مقاومت می کند.

هویت فرهنگی جامعه تا چه زمانی دوام می آورد؟ تا زمانی که عقاید و ارزش های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جامعه و برای

آنها مهم باشد. هرگاه عقاید و ارزش ها، اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای یک جامعه از دست بدهند، تداوم هویت فرهنگی آن جامعه

با چالش هایی مواجه می شود.

نکته ۲: تا زمانی که تغییرات هویتی افراد در چارچوب عقاید و ارزش های اجتماعی پذیرفته شده در جامعه اتفاق بیفتد و با هویت

فرهنگی جامعه سازگار باشد، مورد تشویق و تأیید جامعه قرار می گیرد؛

برای مثال، فردی که با تلاش و پشتکار، موقعیت اجتماعی خود و دیگران را ارتقا می بخشد از طرف جامعه، تأیید و تشویق می شود.

در چه صورتی هویت جامعه متحول می شود: اگر تغییرات هویتی افراد مطابق عقاید و ارزش های جامعه نباشد و شیوه هایی از زندگی

را به دنبال آورد که با عقاید و ارزش های جامعه ناسازگار باشد. این وضعیت اضطراب و نگرانی های اجتماعی فراوانی به دنبال دارد.

اگر این وضعیت یعنی شیوه ناسازگار با عقاید و ارزش های جهان اجتماعی ادامه پیدا کند، عقاید و ارزش هایی که هویت فرهنگی جامعه

را می سازند، مورد تردید قرار می گیرند و ثبات خود را در زندگی مردم از دست می دهند. در نتیجه تداوم چنین وضعیتی، جامعه دیگر

نمی تواند از عقاید و ارزش هایش دفاع کند و آنها را حفظ نماید. در این صورت، راه برای تحول هویت فرهنگی جامعه باز می شود و

جامعه به جامعه ای دیگر تبدیل می گردد.

انواع تحولات فرهنگی چیست؟

تحولات فرهنگی می توانند مثبت یا منفی باشند. اگر فرهنگی که دچار تحول می شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی

فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است، اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می دهد، فرهنگ حق باشد و جهت

تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است.

تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی، تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی، تحول فرهنگی منفی است.

علل تحولات فرهنگی چیست؟

علل تحولات فرهنگی به دو دسته **درونی** و **بیرونی** تقسیم می شوند.

علل درونی یا به ابداعات و نوآوری های مثبت و منفی افراد جامعه مربوط می شود، یا به کاستی ها و بن بست های موجود در فرهنگ

جامعه باز می گردد.

برای مثال، اگر فرهنگ یک جامعه توان پاسخ گویی به نیازهای طبیعی و جسمی یا فطری و معنوی انسان ها را نداشته باشد، آن جامعه

نشاط زندگی را از دست می دهد و گرفتار یأس و ناامیدی می شود.

این کاستی‌ها و بن‌بست‌ها، متفکران و مصلحان اجتماعی را به بازاندیشی در فرهنگ جامعه و بنیان‌های عقیدتی و ارزشی آن فرا می‌خواند و زمینه را برای تحولات فرهنگی فراهم می‌کند.

علل بیرونی تحولات فرهنگی، روبرو شدن و ارتباط جوامع با یکدیگر است، اگر جامعه‌ای در تعامل با جوامع دیگر بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند و به مرور زمان، به عقاید و ارزش‌های خود پشت کند، دچار تحول فرهنگی می‌شود. اگر این جامعه در مسیر تحول فرهنگی، عقاید و ارزش‌های جامعه دیگر را بپذیرد، به آن جامعه ملحق می‌شود.

مانند مصر و ایران باستان که در ارتباط با جوامع اسلامی، عقاید و ارزش‌های اسلامی را قبول کردند و به جوامع اسلامی ملحق شدند.

نکته مهم:

اگر یک جامعه با **حفظ عقاید و ارزش‌های خود** با جوامع دیگر ارتباط برقرار کند و در محدوده هنجارها خوی، عناصری را از جوامع دیگر بگیرد، زمینه گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.

مثلاً جوامع اسلامی در سده‌های نخستین رویارویی با جوامع دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداختند و به همین سبب، عناصر سازگار با هویت فرهنگی خود را از آنها گرفتند و در موارد مورد نیاز به بازسازی آن عناصر فرهنگی پرداختند.

مثلاً به دلیل اهمیت عقل و عقلانیت در اسلام، جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری‌های یونان و روم، عناصر عقلی فرهنگ آنها را اخذ کردند. به تناسب فرهنگ توحیدی خود، در این دانش‌ها دخل و تصرف نمودند اما عناصر مشرکانه این دو فرهنگ را نپذیرفتند؛ مثلاً آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم آنها را ترجمه کردند ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آن را رها کردند.

اما ممکن است یک جامعه در مواجهه با جامعه دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از فرهنگ آن جامعه **هویت جدیدی به دست آورد**؛ بدون اینکه عقاید و ارزش‌های جامعه مقابل را بپذیرد و به آن ملحق شود.

مانند جوامع غربی که پس از رویارویی با جوامع اسلامی طی جنگ‌های صلیبی، بدون اینکه به جامعه و فرهنگ اسلام بپیوندند، تحولات هویتی پیدا کردند و از غرب مسیحی قرون وسطا به غرب سکولار قرون جدید تبدیل شدند و هویت جدیدی پیدا کردند.

نکته ۳: در تعامل و دادوستد فرهنگی، اعضای جوامع باید به طور فعال و با توجه به نیازها و مسائل خود با یکدیگر رو به رو شود.

خودباختگی فرهنگی: اگر اعضای جامعه، مبهوت و مقهور فرهنگ دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال خود را در گزینش عناصر فرهنگی آن جامعه از دست بدهند، خودباختگی فرهنگی می‌شود.

در این صورت، عناصر فرهنگی جامعه دیگر را بدون تحقیق و گزینش می‌پذیرد.

پیامدهای خودباختگی فرهنگی:

چنین جامعه‌ای به روش تقلیدی عمل می‌کند و ارتباطش را با تاریخ و فرهنگ خود از دست می‌دهد؛ بنابراین، نه می‌تواند فرهنگ خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه قادر است به جامعه دیگری که شیفته و مبهوت آن شده است، ملحق شود؛ از اینجا رانده و از آنجا مانده.

بسیاری از جوامع غیرغربی در رویارویی با جهان غرب، مبهوت و مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی غرب شدند و به همین سبب، دچار خودباختگی فرهنگی گشتند.

غرب زدگی: خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را غرب زدگی می‌نامند.

از خود بیگانگی فرهنگی چیست؟ در زبان فارسی خودی در مقابل بیگانه به کار می‌رود، اما در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود؛ به این وضعیت از خودبیگانگی می‌گویند. نه تنها افراد، بلکه جوامع نیز ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن از خودبیگانگی فرهنگی گفته می‌شود.

از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد.

از خودبیگانگی تاریخی: اگر یک جامعه، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند،

جامعه خودباخته‌ای که در مواجهه با جامعه دیگر، هویت فرهنگی خود را از یاد می‌برد، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار شده است.

از خودبیگانگی حقیقی یا فطری: اگر عقاید و ارزش های یک جامعه مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، فرهنگ هایی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته اند و از عقاید و ارزش های حق برخوردار نیستند، مانع آن می شوند که انسان ها به شناخت صحیح از عالم و آدم برسند.

تصویری که این فرهنگ ها از انسان ارائه می دهند، نه خود حقیقت بلکه سرایی از حقیقت است؛ به همین سبب، آدمی در چنین جامعه ای حتی اگر از رفاه مادی برخوردار باشد، به آرامش نمی رسد بلکه به اضطراب و تشویش گرفتار می شود و در نهایت، سر به عصیان و طغیان برمی دارد.

نکته ۴: از نظر قرآن کریم، انسان هنگامی می تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد که به انسان و جهان نگاهی توحیدی داشته باشد. فراموش کردن خداوند سبب می شود که انسان خود را نیز فراموش کند.

بر اساس این نگاه، تنها فرهنگ توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می کند.

فرهنگ اساطیری و فرهنگ دنیوی آدمی را نه تنها از حقیقت جهان بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می کند.

سوالات درس ۷ علوم اجتماعی که در امتحان نهایی آمده اند

۱- تحولات هویتی چه زمانی مثبت و چه زمانی منفی است؟ (خرداد ۹۸)

اگر فرهنگی که دچار تحول می شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی

مثبت است. ۵/۱۰ اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به

سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است ۵/۰

۲- خود باختگی فرهنگی چه زمانی رخ می دهد؟ توضیح دهید؟ (خرداد ۹۸)

اگر اعضای یک جامعه، مبهوت و مقهور جامعه دیگر شوند ۷۵/۰ و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش

عناصر فرهنگی آن جامعه از دست بدهند، جامعه آنها دچار خود باختگی فرهنگی می شود ۷۵/۰

۳- پیامدهای خود باختگی فرهنگی را بنویسید. (خرداد ۹۹)

پیامد ها: ۱) عناصر فرهنگی جامعه دیگر را بدون تحقیق و گزینش می پذیرد و به روش تقلیدی عمل می کند

۲) ارتباطش را با تاریخ و فرهنگ خود از دست می دهد ۳) نه می تواند فرهنگ خود را گسترش دهد و نه قادر

است به جامعه دیگر ملحق شود. (اشاره به دو مورد ۱ نمره)

۴- علل درونی تحولات فرهنگی را بنویسید. (خرداد ۹۹)

۱- ابداعات و نوآوری های مثبت و منفی افراد جامعه

۲- کاستی ها و بن بست های موجود در فرهنگ جامعه

۵- علل تحولات فرهنگی را نام برده و توضیح دهید. (دی ۹۷)

الف) علل درونی: یا به ابداعات و نوآوری های مثبت و منفی افراد جامعه مربوط می شود یا به کاستی ها و بن بست

های موجود در فرهنگ جامعه باز می گردد. (۱)

ب) علت بیرونی: رو به رو شدن و ارتباط جوامع با یکدیگر است. (۵/۰)

۶- غرب زدگی را تعریف کنید. (دی ۹۷) (شهریور ۹۸)

خود باختگی جوامع غیر غربی در برابر جهان غرب را غرب زدگی گویند.

۷- اصطلاحات زیر را تعریف کنید. (دی ۹۸)

الف) از خود بیگانگی حقیقی (فطری)

ب) تحول فرهنگی مثبت

الف- اگر عقاید و ارزش‌های یک جامعه مانع آشنایی اعضای آن جامعه با حقیقت انسان و جهان شود دچار از خود بیگانگی حقیقی شده است.

ب- اگر فرهنگی که دچار تحول می‌شود فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد تحول فرهنگی مثبت است.

۸- در ارتباط میان جوامع، در چه صورتی زمینه‌گیشرفت جامعه فراهم شده است؟ (شهریور ۹۸)

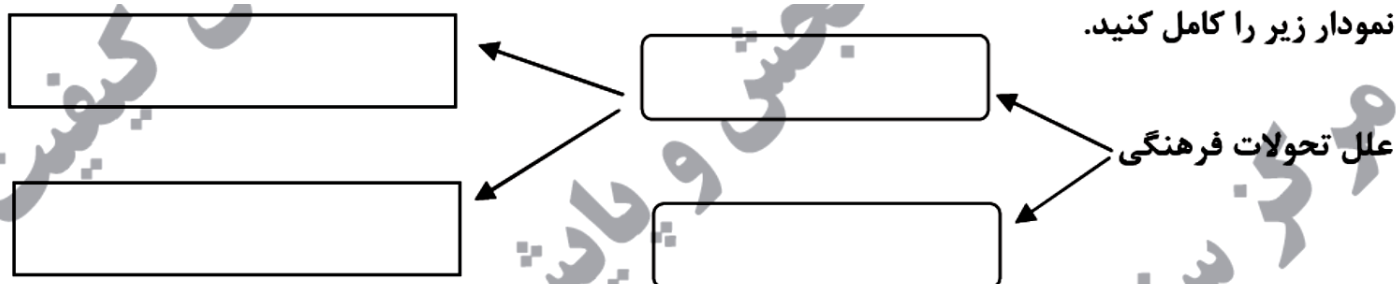
اگر یک جامعه با حفظ عقاید و ارزش‌های خود با جوامع دیگر ارتباط برقرار کند و در محدوده‌های هنجارها و سبک‌های زندگی، عناصری را از جوامع دیگر بگیرد و در صورت لزوم تغییرات لازم را در آنها پدید آورد، زمینه‌گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد. ص ۵۲

۹- هویت فرهنگی تا چه زمانی دوام می‌آورد؟ چه زمانی تداوم فرهنگی آن با چالش مواجه می‌شود؟ (شهریور ۹۹)

هویت فرهنگی جامعه تا زمانی دوام می‌آورد که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جامعه و برای آنها مهم باشد. هر گاه عقاید و ارزش‌ها، اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای یک جامعه از دست بدهند، تداوم هویت فرهنگی آن جامعه با چالش مواجه می‌شود. (ص ۵۱)

۱۰- (شهریور ۹۹)

نمودار زیر را کامل کنید.



ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افراد

علل تحولات فرهنگی

درونی

بیرونی

کاستی‌ها و بن‌بست‌های درون فرهنگ

(صفحه ۵۲ کتاب)

درس هشتم: بعد فرهنگی هویت ایران

افراد معمولاً خود را با ویژگی‌هایی مانند نام، سن، شغل، ثروت، قدرت، تبار خانوادگی، مهارت‌ها، علایق، هنرها، دانش، خلق، ایمان و اعتقاد می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند.

گروه‌ها، اقوام، ملت‌ها و امت‌ها نیز خود را با ویژگی‌هایی همچون سرزمین، جمعیت، اقتصاد، سیاست، تاریخ، فرهنگ و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند.

هویت ایرانی قبل از اسلام

هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود.

* روایتی از این هویت را در شاهنامه فردوسی می‌توان دید.

پیش از اسلام، اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت‌های قومی متفاوتی داشتند، در عقاید و ارزش‌های زرتشتی که با باورهای اساطیری درآمیخته بود، مشترک بودند و بر این اساس، هویت فرهنگی واحدی پیدا کرده بودند.

هویت ایرانی بعد از اسلام

ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشرکانه و اساطیری خود را کنار گذاشتند، به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند و با پذیرش عقاید و ارزش‌های اسلامی، ایران به جهان اسلام ملحق گردید و هویت ایرانی بخشی از هویت جهان اسلام شد.

نکته مهم: فارسی‌داری از به عنوان زبان سیاسی دربار ایران، زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود که در ایران زندگی می‌کردند.

این زبان به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدوده زبان سیاسی اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام گسترش یافت.

فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و دیگر حکیمان و شاعران ایرانی خدمات بی نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد.

ایرانیان مسلمان معارف و هنرهای تولید کردند که مسلمانان برای دستیابی به آنها نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.

جهان اسلام چگونه با این هجمه‌های نظامی و سیاسی اقوام مختلف مقابله کرد؟

مسلمانان در سده‌های مختلف، یا مانند آنچه در جنگ‌های صلیبی گذشت، مهاجمان را دفع کردند

و یا مانند آنچه در حمله مغول رخ داد، مهاجمان را درون فرهنگ خود جذب و هضم کردند.

اما مواجهه فرهنگ جدید غرب با جوامع و فرهنگ اسلامی تجربه جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است.

نکته ۱: در نخستین رویارویی‌ها، قدرت سیاسی و نظامی جوامع غربی، جوامع اسلامی را به خودباختگی فرهنگی دچار ساخت

این امر سبب شد، تصویری که تاریخ‌نگاران غربی از هویت جوامع اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله در جامعه ایران رواج پیدا کند.

دیدگاهی که تاریخ‌نویسان غربی برای جوامع اسلامی القا کردند، چیست؟

در دیدگاه مستشرقان (تاریخ‌نگاران غربی)، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا اساطیری نیست، بلکه دنیوی است.

این هویت در قالب عناوین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود می‌شود

و امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف، نظیر ترک و عرب و فارس، تقسیم می‌کند.

متفکران ایرانی چگونه بر تفکرات القا شده غربی مقابله کردند؟

متفکران ایرانی از دهه سی شمسی به بعد، در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب، کتاب‌های متعددی تدوین کردند که غرب زدگی،

بازگشت به خویشتن، خدمات متقابل اسلام و ایران و همچنین فطرت از جمله آنهاست.

نکته ۲: پیامدهای انقلاب را به شیوه های مختلفی دسته بندی می کنند؛ مثلاً پیامدهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، یا پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. یکی از مهم ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است.

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک قرن مقاومت هویت اسلامی ایرانی جامعه ما در برابر هجوم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، صرفاً بازگشت به هویت تاریخی و جغرافیایی نبود بلکه بازگشت به هویت توحیدی و معنوی خویش بود. جامعه ایران به رهبری امام خمینی و با تکیه بر آموزه های قرآن و اهل بیت به هویت اسلامی خود بازگشت؛ تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مرزهای جامعه ایمانی خود و در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد. این مقاومت، در عرصه های مختلف تا امروز ادامه یافته است. جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود، که هویتی مستقل، فعال و اثرگذار است، به قلب تپنده بیداری اسلامی تبدیل شد.

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت جوامع اسلامی دیگر دارد؟

اینک جوامع اسلامی دیگر با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویری که فرهنگ غربی القا می کرد، جست و جو می کنند و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی جدید در جهان ظاهر می شود.

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر دیدگاه اندیشمندان غربی دارد؟

انقلاب اسلامی ایران افق های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گشوده و نظریه پردازان غربی را که طی قرن بیستم، دنیوی شدن همه فرهنگ ها را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می دانستند، به تأمل در نظریات پیشین خود و بازبینی آنها فراخوانده است.

سوالات درس ۸ علوم اجتماعی که در امتحان نهایی آمده اند

۱- انقلاب اسلامی، چه تأثیری بر هویت ایران و ایرانی داشته است؟ (خرداد ۹۹)

- بازگشت به هویت اسلامی به رهبری امام خمینی قدس سره و با تکیه بر آموزه های قرآن و اهل بیت علیهم السلام ۵/۰ نمره

- دفاع از مرزهای جامعه ایمانی خود در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود ۵/۰ نمره

- تبدیل ایران به عنوان قلب تپنده بیداری اسلامی ۵/۰ نمره

۲- دو مورد از کتاب هایی که متفکران ایرانی از دهه سی شمسی به بعد در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب نوشته اند را نام ببرید. (خرداد ۹۹)

غرب زدگی - بازگشت به خویشتن - خدمات متقابل اسلام و ایران - فطرت (ذکر دو مورد کافی است)

۳- چگونه اسلام بعنوان یک قطب فرهنگی جدید در جهان ظاهر می شود؟ (خرداد ۹۸)

جوامع اسلامی با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویری که فرهنگ غربی القا می کند

جست و جو می کنند به این ترتیب اسلام بعنوان یک قطب فرهنگی جدید در جهان ظاهر می شود (۱)

۴- هویت فرهنگی ایرانیان پس از آشنایی با اسلام و پذیرفتن آن چه تغییری یافت؟ (خرداد ۹۸)

ایرانیان پس از پذیرفتن اسلام، عناصر اساطیری فرهنگ ایرانی را کنار گذاشتند. به تفسیر توحیدی عمیق تری از

هویت خویش دست یافتند و جامعه ای اسلامی را بنانهادند. (۱)

۵- نخستین رویارویی قدرت های سیاسی و نظامی غربی چه تأثیری بر جوامع اسلامی گذاشت؟ (دی ۹۸)

جوامع اسلامی را به خود باختگی فرهنگی دچار ساخت.

۶- اسلام چه تاثیری در هویت ایرانی داشته است؟ (دی ۹۷) (دی ۹۹)

ایرانیان پس از پذیرفتن اسلام، عناصر اساطیری فرهنگ ایرانی را کنار گذاشتند. به تفسیر توحیدی عمیق تری از هویت خویش دست یافتند و جامعه ای اسلامی بنانهادند. ایرانیان عقاید و ارزش های اسلامی را پذیرفتند و به جهان اسلام ملحق شدند و هویت ایرانی بخشی از هویت جهان اسلام شد.

۷- نقش امام خمینی در هویت جامعه ایرانی چگونه بوده است؟ (دی ۹۷)

جامعه‌ی ایران به رهبری امام خمینی (ره) و با تکیه بر آموزه های قرآن و اهل بیت (ع) به هویت اسلامی خود بازگشت، تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مرز های جامعه‌ی ایمانی خود و نه فقط جامعه‌ی ایران، در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد.

۸- متفکران ایرانی از دهه سی شمسی به بعد با تدوین کتاب هایی به نقد کدام رویکرد غرب پرداختند. (دی ۹۸)
الف: نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت های کاذب که از این طریق ساخته شده بود. (۵/۰ نمره)

۹- اسلام چگونه به عنوان یک قطب فرهنگی جدید در جهان ظاهر می شود؟ (شهریور ۹۸)
جوامع اسلامی با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویری که فرهنگ غربی القا می کند

جست و جو می کنند به این ترتیب اسلام بعنوان یک قطب فرهنگی جدید در جهان ظاهر می شود (۱)

۱۰- هویت ایران چگونه بخشی از هویت جهان اسلام شد؟ (شهریور ۹۸)

پس از آن که ایرانیان عقاید و ارزشهای اسلامی را پذیرفتند ایران به جهان اسلام ملحق گردید و هویت ایرانی بخشی از هویت جهان اسلام شد.

۱۱- زبان فارسی چگونه توانست به زبان دوم جهان اسلام تبدیل شود؟ (شهریور ۹۹)

زبان فارسی به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام، در مناطق مختلف جهان اسلام، گسترش یافت. (ص ۵۹)

۱۲ جوامع اسلامی از جمله ایران، با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده‌اند؛ جهان اسلام چگونه با این

هجمه‌ها ها مقابله کرد؟ (ذکر دو مورد)

۱: در جنگ های صلیبی، مهاجمان را دفع کردند. (ذکر دو مورد)

۲: در حمله مغول، مهاجمان را درون فرهنگ خود جذب و هضم کردند

۳: مواجهه فرهنگ جدید غرب با جوامع و فرهنگ اسلامی تجربه جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است.

درس نهم: بعد سیاسی هویت ایران

چرا انسان موجودی قدرتمند است؟

قدرت و انواع آن موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می دهد، کنشگری قدرتمند است اما قدرت فردی انسان محدود است. او نمی تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد بنابراین برای تأمین برخی از نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد.

قدرت اجتماعی کی پدیدار می شود؟

زمانی که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد.

چه کسانی بیشترین قدرت اجتماعی را دارند؟

کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند. علاوه بر افراد، نهادها، سازمان ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

نکته ۱: قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می شود، عمل کنند.

نکته ۲: تنها راه تأثیر گذاردن بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، **جلب تبعیت** آنهاست.

جلب تبعیت چگونه است؟

جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است.

تبعیت با کراهت: تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد

تبعیت با رضایت: تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است

قدرت مقبول و قدرت مشروع:

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید، دارای مقبولیت است و قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد «اقتدار» نامیده می شود اما مشروع بودن قدرت معنای دیگری دارد.

نکته ۳: مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می شود؛ اما مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است.

انواع قدرت مشروع:

مشروعیت حقیقی: اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد،

مشروعیت دروغین: اگر موافق با ایدئولوژی های ساختگی بشری باشد،

نکته ۴: مقبولیت و مشروعیت حقیقی می توانند باهم باشند و می توانند از یکدیگر جدا باشند.

اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی.

هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن، از روی رضایت باشد، قدرتی مقبول ولی غیرمشروع شکل می گیرد. **سیاست به چه معناست؟** هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می آید، زیرا سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدفی معین است.

سیاست در معنای عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است.

نکته ۵: هر جامعه ای به تناسب هویت و فرهنگ خود، آرمان ها و ارزش های ویژه ای دارد و نمی تواند بدون سیاستی مناسب به ارزش ها و آرمان های خود دست یابد.

نظام سیاسی چیست؟ مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست های جامعه وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می دهد.

نکته ۶: در یک جامعه، نظام سیاسی نمی تواند مستقل از نظام های دیگر مانند نظام فرهنگی، اقتصادی و... باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می گیرد.

نظام سیاسی بر نظام های دیگر، به ویژه نظام فرهنگی اثر می گذارد و از آنها تأثیر می پذیرد.

نکته ۷: نظام فرهنگی عقاید، ارزش ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تأمین می کند

چه زمانی نظام فرهنگی، مقبولیت دارد؟

اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش های فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی، مقبولیت دارد؛

اما اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تأثیر و فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش های فرهنگی خود عدول کند، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را کاهش می دهد.

نظام سیاسی چه زمانی به فرهنگ کمک کرده و در چه زمانی بحران ساز می شود؟

نظام سیاسی نیز اگر به ارزش های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط و توسعه فرهنگ کمک می کند و اگر از ارزش ها و آرمان های جامعه دور شود زمینه بحران های فرهنگی و هویتی را فراهم می سازد.

چه زمانی جامعه هویت سیاسی پیدا می کند؟ جامعه با پذیرش یک نظام سیاسی خاص، هویت سیاسی پیدا می کند.

نظام های سیاسی را می توان براساس ملاک های گوناگون به انواع مختلفی دسته بندی کرد.	
نظام هایی که در آنها یک فرد حاکم است و تصمیم می گیرد؛	۱ بر اساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم گیرنده (سه دسته)
نظام هایی که در آنها اقلیتی تصمیم گیرنده است؛	
نظام هایی که در آنها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیرگذارند.	
نظام هایی که در آنها حاکم یا حاکمان براساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می دانند	۲ بر اساس روش تصمیم گیری (دو دسته)
حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می گیرند.	
نظام های سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می یابد.	۳ بر اساس دین مداری یا دنیامداری
نظام سیاسی دنیامداری فقط ارزش ها و آرمان های دنیوی و این جهانی را مدنظر قرار می دهد.	

نظام های سیاسی براساس دیدگاه های ارسطو:

ارسطو از دو ملاک اول و دوم بالا برای دسته بندی نظام های سیاسی استفاده می کند و از شش نوع نظام سیاسی نام می برد:

۱. در سه نوع از این نظام های سیاسی، یک فرد، یک اقلیت یا اکثریت براساس خواسته ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می کنند

۲. در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر حقیقت و فضیلت استوار است.

دموکراسی: ارسطو، حاکمیت اکثریت را در صورتی که بر مدار خواسته های آنها باشد، دموکراسی می نامد؛ زیرا دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم براساس خواسته ها و تمایلات خود حکومت می کنند.

جمهوری: حکومتی را که در آن اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند، جمهوری می خوانند.

نکته ۸: مطابق نظریه ارسطو بین حکومت جمهوری و دموکراسی تفاوت است.

نظام های سیاسی براساس دیدگاه های فارابی:

فارابی در گونه‌شناسی نظام‌های سیاسی علاوه بر دو ملاک پیش‌گفته، ملاک سوم را نیز در نظر می‌گیرد. در دسته‌بندی فارابی از نظام سیاسی، مدینه فاضله جامعه‌ای است که براساس قوانین الهی شکل می‌گیرد. او جوامعی را که آرمان‌ها و ارزش‌هایشان الهی و عقلانی نباشد جوامع جاهله می‌نامد و آنها را به اقسامی تقسیم می‌کند.

لیبرالیسم: به معنای مباح دانستن همه امور برای انسان هاست و دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است.

لیبرال دموکراسی: نوعی نظام سیاسی است که ادعا میکند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می‌یابد. این نظام سیاسی هیچ حقیقت و فضیلتی را به رسمیت نمی‌شناسد و حکومتی دنیوی و این جهانی است. این نظام سیاسی با فرهنگ جدید غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است.

جمهوری اسلامی یا مردم سالاری دینی: نوع دیگری از نظام سیاسی است که در جهان اجتماعی اسلام مورد توجه قرار گرفته است. در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست مردم و ذیل اراده و مشیت الهی شکل می‌گیرند.

نکته ۹: عنوان «جمهوری» در این ترکیب به معنای به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی است و کلمه «اسلامی» نشان دهنده این است که فعالیت‌ها بر اساس عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان پیدا می‌کنند.

از جمله ارزش‌های اجتماعی اسلامی کدام اند؟ عبودیت، عدالت، استقلال، آزادی، نفی وابستگی، نفی تسلط بیگانگان بر امت اسلامی، امنیت، تأمین اجتماعی، عمران و آبادانی، عقلانیت، مشورت و مشارکت در امور عمومی و ارتقای معرفت و آگاهی.

نکته ۱۰: در نگاه اسلامی، اغلب این ارزش‌ها با آنکه ناظر به مسائل اجتماعی دنیوی هستند، تفسیر دنیوی ندارند، بلکه سیرتی الهی و دینی دارند؛ بنابراین، دستیابی به آنها وظیفه‌ای الهی است و نه تنها منجر به بهبود زندگی اجتماعی می‌شود بلکه مانند سایر عبادات، موجب تقرب انسان به خداوند نیز می‌شود.

نکته ۱۱: در آموزه‌های اسلامی عبادات هنگامی که بُعد اجتماعی وسیع‌تری پیدا می‌کنند، ارزش بیشتری می‌یابند.

نکته ۱۲: در برخی از روایات، مسئولیت متقابل امت و امام، مهم‌ترین مسئولیت دانسته شده است.

امت اسلامی باید از پذیرش طاغوت و قدرت‌های غیرالهی خودداری کند و در شکل‌گیری امامت و ولایت الهی براساس موازین و ارزش‌های اسلامی هوشمند و فعال باشد.

سوالات درس ۹ علوم اجتماعی که در امتحان نهایی آمده‌اند

۱- براساس تعداد افراد تاثیرگذار و تصمیم‌گیرنده، نظام سیاسی به چند دسته تقسیم میشود؟ بنویسید.

(خرداد ۹۸) (دی ۹۷) (دی ۹۹) (شهریور ۹۸)

سه دسته: الف) نظام‌های که در آن‌ها یک فرد حاکم است و تصمیم می‌گیرد (۵/۰)

ب) نظام‌های که در آن‌ها اقلیتی تصمیم‌گیرنده است (۵/۰)

ج) نظام‌های که در آن‌ها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیر گذارند (۵/۰)

۲- انواع جلب تبعیت دیگران را نام برده و تعریف کنید. (خرداد ۹۹)

۱- تبعیت با کراهت: تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد

۲- تبعیت با رضایت: تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

۳- نظام سیاسی لیبرال دموکراسی را تعریف کنید. (شهریور ۹۹)

لیبرال دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که ادعا می‌کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می‌یابد این نظام

سیاسی هیچ حقیقت و فضیلتی را به رسمیت نمی‌شناسد و حکومتی دنیوی و این جهانی است. (ص ۷۴)

۴- بر اساس ملاک "روش تصمیم‌گیری"، نظام‌های سیاسی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ توضیح دهید. (خرداد ۹۹)
با این ملاک، نظام‌های سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- نظام‌هایی که در آنها حاکم یا حاکمان بر اساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می‌گیرند ۲- حاکم یا حاکمان بر اساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می‌گیرند.

۵- دو نظام لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی را از نظر آرمانها و ارزشها با یکدیگر مقایسه کنید. (ذکر حداقل یک تشابه و یک تفاوت ضروری است) (دی ۹۸)

تشابه: هر دو به خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می‌یابد.

تفاوت: نظام لیبرال دموکراسی هیچ حقیقت و فضیلتی را به رسمیت نمی‌شناسد و حکومت دنیوی و این جهانی است در حالی که نظام جمهوری اسلامی خواست مردم در ذیل اراده و مشیت الهی شکل می‌گیرد.

۶- تبعیت اراده یک انسان از انسان دیگر به چند صورت انجام می‌پذیرد؟ نام برده و شرح دهید. (شهریور ۹۹)

۱- تبعیت با کراهت: تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد

۲- تبعیت با رضایت: تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

درس دهم: ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران

جمعیت هر جامعه چه رابطه ای با هویت آن دارد؟

در معرفی جوامع به ویژگی های جمعیتی آنها مانند تعداد جمعیت، جوان و پیر، شهری و روستایی، بیکار و شاغل بودن جمعیت و... اشاره می کنند، چراکه جمعیت هر جامعه بخشی از هویت آن محسوب می شود.

نکته ۱: اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است.

پیامد های کاهش جمعیت چیست؟ اگر اعضای یک جامعه از بین بروند، آن جامعه نابود می شود.

در صورت نبود یا کمبود جمعیت، بسیاری از فعالیت های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر زمین می ماند، کاهش جمعیت یک جامعه نیز به محدود شدن گستره فرهنگ آن منجر می شود امکان تسلط جوامع و فرهنگ های دیگر بر آن جامعه را فراهم می آورد.

نکته ۲: بسط و گسترش یک جامعه از طریق گسترش فرهنگ آن صورت می گیرد.

فرهنگ یک جامعه چگونه گسترش می یابد؟

راه گسترش هر فرهنگ، شناختن (اندیشیدن)، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. شناخت فرهنگ، پذیرش و عمل به آن صرفاً از عهده افراد و اعضای جامعه برمی آید. اعضای جامعه، حامل فرهنگ و عامل به آن هستند.

هر چه حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ بیشتر گسترش میابد. بنابراین افزایش جمعیت یک جامعه زمینه ساز گسترش فرهنگ آن است. از این رو تأمین جمعیت مناسب برای یک جامعه، مسئله ای هویتی است.

چرا از نظر اسلام افزایش جمعیت ضروری است؟

هدف اسلام گسترش فرهنگ اسلامی و توحیدی است.

لازمه تحقق این هدف، داشتن جمعیت مناسب است؛

بنابراین اگر فرهنگی که با افزایش جمعیت بسط می یابد، فرهنگ حق باشد نه فرهنگ باطل و همچنین، افراد و اعضای آن فرهنگ حاملان و عاملان فرهنگ حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است؛

نکته ۳: هم کمیت جمعیت (تعداد لازم و کافی) و هم کیفیت جمعیت (حامل و عامل فرهنگ) در بسط و تداوم هویت فرهنگی یک جامعه مؤثرند. پیامبر اسلام، روز محشر به کثرت پیروان خود مباحثات می کند.

چرا جوامع غربی با مسئله کاهش جمعیت روبرو است؟

جوامع غربی به دلایلی مانند بالارفتن سن ازدواج، افزایش بی ثباتی، فروپاشی خانواده ها و طلاق، رفاه زدگی، مصرف گرایی و هزینه پنداشتن فرزندان، با مسئله کاهش جمعیت و عوارضی چون پیری و سالمندی جمعیت مواجه اند

سیاست های جمعیتی: وقتی یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می شود، نظام سیاسی آن برای حل مشکل جمعیت چاره اندیشی می کند و با همراهی و همکاری مردم تدابیر و راه حل هایی را به اجرا در می آورد که «سیاست های جمعیتی» نامیده می شود.

نکته ۴: سیاست های جمعیتی می تواند در جهت افزایش یا کاهش جمعیت باشد.

کشور ما، در دو برهه زمانی، سیاست های کاهش جمعیت را اجرا کرد؛ یک بار پیش از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب به طول انجامید و دیگر بار، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ سیاست کاهش جمعیت اتخاذ و اجرا شد

نکته ۵: کاهش بیش از حد رشد سالانه جمعیت در سال های اخیر، تغییر و بازنگری در سیاست کاهش جمعیت را ضروری ساخت.

در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست های جمعیتی کشور تصویب شد که در آن به ضرورت هایی از جمله افزایش جمعیت، جوانی جمعیت،

حمایت از زوج های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه های زندگی برنامه ریزی برای توزیع متعادل جمعیت در نقاط مختلف کشور و... توجه شده است.

نکته ۶: جوامع نیز هویت اقتصادی دارند از این رو در معرفی جوامع، به ویژگی های اقتصادی آنها اشاره می کنند؛

مثلاً اقتصادهای دانش بنیان؛

تک محصولی (مانند اقتصاد نفتی)؛

مقاوم / شکننده؛

دستوری / غیردستوری؛

سرمایه داری / سوسیالیستی / اسلامی؛ و... از جمله هویت های اقتصادی جوامع است.

نکته ۷: اقتصاد امروز ما نتیجه رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست.

این اقتصاد از سویی دستاوردهایی مانند گسترش بهره مندی مردم از آب، برق، گاز، ارتباطات و ایجاد زیرساخت هایی همچون سدها و نیروگاه ها، توسعه ظرفیت تولیدی، ارتقای شاخص های بهداشت و درمان و ... در پی داشته است

و از سوی دیگر با معضلاتی مانند تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، تجمل گرایی و مصرف گرایی دست به گریبان بوده است.

نکته ۸: از جمله عوامل شکل گیری این اقتصاد در ایران، کشف نفت و سرمایه های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است.

دلیل شکننده بودن اقتصاد وابسته به نفت چیست؟

سرمایه های نفتی می تواند به انواع دارایی ها و ثروت ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود

اما اگر به درستی از آن استفاده نشود، می تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفت وابسته است.

چنین اقتصادی به دلیل آنکه درآمدی هنگفت و بدون زحمت ایجاد می کند، باعث شکل گیری تولید ملی ضعیف و شکننده ای می شود که مستقیم و غیر مستقیم وابسته به نفت است.

این وضعیت می تواند در کوتاه مدت احساس رفاه بیشتری را آن هم با نوسانات زیاد برای مردم به ارمغان آورد؛ اما پایدار نیست. وضعیت شکننده ای را به وجود می آورد که زمینه سوءاستفاده قدرت های جهانی را فراهم می آورد.

انواع تحریم های اقتصادی نفتی و مالی با همین رویکرد علیه کشور ما اتخاذ شده است تا اولاً درآمد نفتی کشور را محدود کنند؛ ثانیاً از انتقال آن به کشور ممانعت ورزند.

نکته ۹: هویت انسان ها و جوامع بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است.

نکته ۱۰: غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می دهد و سرمایه داری عامل اصلی هویت یابی افراد و جوامع غربی است.

همچنین آنها هیچ مانعی را بر سر راه اقتصاد خود بر نمی تابند و شیوه های اقتصادی ناسازگار با اقتصاد سرمایه داری را در سراسر جهان نابود می کنند.

چرا کشورهای غربی جنگ اقتصادی تمام عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته اند؟

برخی از کشورهای سلطه گر غرب که از سویی اقتصاد را اساس همه چیز می پندارند و از سوی دیگر، تمامی شیوه های اقتصادی غیر اقتصادی را نابود شده می بینند، پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می دانند؛

راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن چیست؟

ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست های اقتصاد مقاومتی تعقیب می کند.

اقتصاد مقاومتی چیست؟

اقتصاد مقاومتی الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با اعتقاد به تعالیم اسلام و تکیه بر دانش و فناوری و ظرفیت های مولد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی و حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران امنیت، رفاه و پیشرفت همراه با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می آورد.

سوالات درس ۱۰ علوم اجتماعی که در امتحان نهایی آمده اند

۱- چهار مورد از ویژگیهای اقتصاد مقاومتی را بنویسید (خرداد ۹۸)

اقتصادی پیشرفته ، مستقل و مستحکم است - که با اعتقاد به تعالیم اسلام و تکیه بردانش و فناوری ، هویت اقتصادی نوینی برای ایران می سازد. - خود کفا دارای روحیه جهادی خلاقیت نوآوری درون زایی در عین برون گرایی.....چهار مورد از موارد (صفحه ۷۶) هر مورد ۰/۲۵

۲- منظور از سیاستهای جمعیتی چیست؟ (خرداد ۹۸) (دی ۹۸)

وقتی یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می شود ۰/۵ نظام سیاسی ۰/۲۵ آن برای حل مشکل جمعیت چاره اندیشی می کند ۰/۲۵ و با همراهی و همکاری مردم ۰/۲۵ راهکارهایی را به اجرا درمی آورد ۰/۲۵

۳- چهار مورد از عوامل کاهش جمعیت و سالمندی جمعیت در غرب را بنویسید. (خرداد ۹۹)

بالارفتن سن ازدواج - افزایش بی ثباتی - فروپاشی خانواده ها و طلاق - رفاه زدگی - مصرف گرایی - هزینه پنداشتن فرزندان (ذکر چهار مورد کافی است)

۴- آسیب های مبتنی بر اقتصاد نفتی را بنویسید. (ذکر دو مورد کافی است) (خرداد ۹۹)

۱- شکل گیری تولید ملی ضعیف و شکننده

۲- در کوتاه مدت احساس رفاه بیشتری به ارمغان می آورد اما پایدار نیست

۳- وضعیت شکننده ای را به وجود می آورد که زمینه سوء استفاده قدرت های جهانی را فراهم می آورد.

۴- دولت بزرگی به وجود می آید که می کوشد به کمک درآمدهای نفتی و نه رواج کسب و کار، رفاه اقتصادی را تأمین کند. (ذکر دو مورد کافی است)

۵- اقتصاد مقاومتی چیست (دی ۹۷)

اقتصادی پیشرفته ، مستقل و مستحکم است (۰/۵) که با اعتقاد به تعالیم اسلام و تکیه بردانش و فناوری ، هویت اقتصادی

نوینی برای ایران می سازد. (۰/۵)

۶- فرهنگ در چه شرایطی بیشتر گسترش می یابد؟ (دی ۹۸)

وقتی حاملان و عاملان یک فرهنگ بیشتر باشند آن فرهنگ بیشتر گسترش می یابد.

۷- در چه صورتی جهت گسترش فرهنگ اسلامی و توحیدی، افزایش جمعیت ضروری است؟ (دی ۹۹)

اگر فرهنگی که با افزایش جمعیت بسط می یابد، فرهنگ حق باشد نه فرهنگ باطل و همچنین، افراد و اعضای آن

فرهنگ حاملان و عاملان فرهنگ حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است. ص ۷۸

۸- تأثیر سرمایه های نفتی بر اقتصاد را بنویسید. (دی ۹۸)

سرمایه های نفتی می تواند به انواع دارایی ها و ثروت ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود اما

اگر به درستی از آن استفاده نشود، می تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفت

۹- چرا رفاه حاصل از اقتصاد تک محصولی پایدار نیست؟ (شهریور ۹۸)

زیرا اقتصاد تک محصولی وضعیتی ناپایدار بوجود می آورد که زمینه سو استفاده قدرت های جهانی را فراهم می کند آنها از این ضعف اقتصادی به عنوان ابزاری برای فشار آوردن به جامعه استفاده می کنند.

۱۰- چرا تأمین جمعیت مناسب برای یک جامعه مسئله ای هویتی است؟

جمعیتی که جامعه زمینه ساز گسترش فرهنگ آن است کاهش جمعیتی که جامعه امکان تسلط جوامع و فرهنگ های دیگر بر آن جامعه را فراهم می آورد از این رو تأمین جمعیت مناسب برای یک جامعه، مسئله ای هویتی است. (ص ۷۷)

۱۱- چرا جوامع غربی علیه ایران جنگ اقتصادی تمام عیاری به راه انداخته اند؟

برخی از کشورهای سلطه گر غرب که از سویی اقتصاد را اساس همه چیز می پندارند و از سوی دیگر، تمامی شیوه های غیراقتصادی را نابود شده می بینند، پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می دانند: از این رو جنگ اقتصادی تمام عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته اند. (ص ۸۱)